

# تَوْبَةُ الشَّعْلَبِ

الدرس الثامن



بَرَزَ\* التَّعْلَبُ يَوْمًا فِي شِعَارِ النَّاصِحِينَ

فَمَشَى\* فِي الْأَرْضِ يَنْصَحُ وَ يَسُبُّ\* الْمَاكِرِينَ\*



و يَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ ... هِ إِلَهِ الْعَالَمِينَ

يَا عِبَادَ اللَّهِ تَوْبُوا فَهُوَ كَهْفُ\* التَّائِبِينَ

وَ أَطْلُبُوا الدِّيكَ\* يُؤَدِّنُ لِصَلَاةِ الصُّبْحِ فِينَا



فَذَهَبُوا إِلَى الدِّيكِ، فَقَالَ:

بَلَّغُوا\* التَّعْلَبَ عَنِّي\* عَن جُدُودِي\* الصَّالِحِينَ

عَن ذَوِي التَّبَجَانِ مِمَّنْ دَخَلُوا الْبَطْنَ\* اللَّعِينَا

إِنَّهُمْ قَالُوا وَ حَيَّرُوا... قَوْلِ قَوْلِ الْعَارِفِينَ:

مُخْطِئِي\* مَنْ ظَنَّ\* يَوْمًا أَنَّ لِلتَّعْلَبِ دِينَا

أحمد شوقي (بتصرف)



در تابلوی زیر به کلمه «کتاب» و حرکت آن توجه کنیم :

﴿ذٰلِكَ الْكِتٰبُ لَا رَيْبَ فِيْهِ﴾  
 ﴿وَاَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتٰبَ بِالْحَقِّ﴾  
 ﴿مَا فَتَرٰطْنَا فِي الْكِتٰبِ مِنْ شَيْءٍ﴾

برخی کلمات در زبان عربی با تغییر موقعیت در جمله، حرکت  
 حرف آخرشان تغییر می کند و تعدادی نیز در همه موقعیت ها، حرکت  
 حرف آخرشان ثابت می ماند.

### نام گذاری

به کلماتی که حرکت حرف آخر آن ها با تغییر موقعیت تغییر کند، «مُعَرَّب» گویند.  
 به کلماتی که حرکت حرف آخر آن ها در هر موقعیتی ثابت بماند، «مَبْنِي» گویند.

از خود سؤال کنید :



حرکت کدام حرف معیار تشخیص معرب و مبنی است؟

به نظر شما مشتقاتی که تاکنون خوانده ایم جزء کلمات معرب هستند یا مبنی؟

## مصطلحات

آیا با حرکت های «ضمّه»، «فتحه»، «کسره» و نیز «سکون» آشنا هستیم؟  
آیا تفاوت حرکت آخر کلماتی مانند: «نَحْنُ»، «هُوَ»، «هُؤُلَاءِ» و نیز «أَكْتُبُ» را تشخیص می دهیم؟

کلمات مبنی را بر اساس حرکت آخر آن ها (حرکت حرف لام الفعل) چنین می نامیم:  
مبنی بر فتح (هُوَ) مبنی بر ضم (نَحْنُ) مبنی بر کسر (هُؤُلَاءِ) مبنی بر سکون (أَكْتُبُ)

## اما

برای نام گذاری حرکات در آخر کلمات «معرب» از اصطلاحات دیگری استفاده می کنیم.



اعراب آخر کلمات معرب دارای چهار حالت است.

و علامت آن **ضمّه** است؛ مانند: الحسنة، حسنة

و علامت آن **فتحه** است؛ مانند: الصادق، صادقاً

و علامت آن **کسره** است؛ مانند: الاجتهاد، اجتهاد

و علامت آن **سکون** است؛ مانند: لا تكذب

رفع

نصب

جر

جزم

در زبان فارسی نیز گاهی حرکت حرف آخر کلمه تغییر می کند.  
به حرکت کلمه «گل» در ترکیب «گل سرخ» دقت کنید.

کلمات معرب را بر اساس حرکت آخر آن ها چنین می نامیم:  
مرفوع، منصوب، مجرور و مجزوم.

## کلمات معرب و مبني

|                                  |      |     |
|----------------------------------|------|-----|
| ضمير، اسم اشاره، موصول، استفهام  | مبني | اسم |
| بیشتر اسمها (به جز اسم های مبني) | معرب |     |
| ماضي، امر                        | مبني | فعل |
| مضارع                            | معرب |     |
| تمام حروف                        | مبني | حرف |



در فعل مضارع دو صيغه جمع مؤنث نیز مبني است.

از خود سؤال کنید:

کلمات زبان عربي بیشتر معربند يا مبني؟

برای کدام یک از کلمات انتظار تغییر حرکت حرف آخر را ندارید؟

آیا می دانید چرا یادگیری بحث معرب و مبني مهم است؟

کلمات مبني که به الف ختم می شوند؛ مانند: علی، إلی، حتی ... مبني بر سکون هستند.

کلمات مبني که به «باء» ساکن ختم شوند، مانند: فی، الَّذي، أَلْتي ... مبني بر سکون هستند.



اجعل الكلمات التي تحتها خط في مكان مناسب من الجدول :

(الف) :

١- أَلْعَاقِلُ مِنْ وَعَظْتُهُ\* التَّجَارِبُ.

٢- هل يَنْجَحُ الَّذِينَ لَا يَدْرُسُونَ؟

٣- هم وَجَدُوا طَرِيقَةً لِحَلِّ هَذِهِ الْمَشْكِلَةِ.

٤- نحن دَرَسْنَا وَنَجَحْنَا فِي الْإِمْتِحَانِ.

| المبني   |           |           |            |       |
|----------|-----------|-----------|------------|-------|
| على الضم | على الفتح | على الكسر | على الشكون |       |
|          |           |           |            | الاسم |
|          |           |           |            | الفعل |
|          |           |           |            | الحرف |

(ب) :

١- وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا.

٢- لَا تَتَكَاسَلْ فَإِنَّ طَرِيقَ الْعِرْ صَعْبٌ.

٣- هل يَعْتمِدُ\* الْعَاقِلُ عَلَى الْجَاهِلِ؟

| المعرب  |         |         |         |       |
|---------|---------|---------|---------|-------|
| المرفوع | المنصوب | المجرور | المجزوم |       |
|         |         |         | -       | الاسم |
|         |         | -       |         | الفعل |

## التحریر الثانی

صِلْ كُلَّ كَلِمَةٍ فِي الْعُمُودِ الْأَوَّلِ بِمَا يُنَاسِبُهَا مِنَ الْعُمُودِ الثَّانِي :

|  |          |
|--|----------|
| موصولٌ خاصٌّ و مبنیٌّ علی السُّکونِ.     | کَيْفَ   |
| فعل مضارع مرفوع و معرب.                  | أُذْرُسُ |
| ضميرٌ منفصلٌ مرفوعٌ و مبنیٌّ علی الفتحِ. | هؤلاءِ   |
| اسمٌ استفهامٌ و مبنیٌّ علی الفتحِ.       | هي       |
| فعلٌ أمرٌ و مبنیٌّ علی السُّکونِ.        | الَّذِي  |
| اسمٌ إشارةٌ و مبنیٌّ علی الكسْرِ.        | يَعْلَمُ |

## التحریر الثالث

عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ :

- ١- ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾  
 آنان کسانی اند که راست گفتند و آنان همان پرهیزگارانند.  
 اینان که راست می گویند؛ همان پرهیزگارانند.
- ٢- ﴿فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ﴾  
 پس بر آنچه می گویند، بی تابی مکن، آنان به ستایش پروردگارت تسبیح گویند.  
 پس بر آنچه می گویند، شکبیا باش، و به ستایش پروردگارت تسبیح گوی.
- ٣- ﴿إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتُ إِلَيْكَ مِنَ خَيْرٍ فَقِيرٌ﴾  
 همانا من به آنچه از نیکی به سویم فرستی، نیازمندم.  
 همانا من به آنچه نفرستادی از خوبی ها نیازمندم.



□ در زبان فارسی، فعل معمولاً در آخر جمله قرار می‌گیرد، و حال آن‌که در عربی، فعل معمولاً ابتدای جمله می‌آید.

□ در ترجمه اسم‌هایی که دارای تنوین هستند، گاهی «ی» (وحدت یا نکره) اضافه می‌کنیم:  
کتابٌ : کتابی

اشکالات ترجمه فارسی متن زیر را اصلاح کنید :

### مَهْرُ الْبُومَةِ

تَسْكُنُ بَوْمَةٌ فِي خَرَبَةٍ مِنْ خَرَابَاتِ الْبَصْرَةِ. فَقَصَدَتْ تَزْوِيجَ وَلَدِهَا بِإِخْدَى بَنَاتِ الْمُوَصِّلِ. فَرَفَضَتْ  
بَوْمَةُ الْمُوَصِّلِ وَقَالَتْ :

### مَحَبَّتِ جَعْدِ

جعدی در خانه‌ای از خانه‌های بصره زندگی می‌کند. [جعقد] خواست پسرش را به ازدواج یکی  
از دختران موصول درآورد. جعقد موصول مخالفت کرد و فریاد زد :

إِنَّ الْبَصْرَةَ بَلَدٌ كَبِيرٌ وَمَعْمُورَةٌ وَوَلَدُكَ لَا يَقْدِرُ دَفْعَ مَهْرِ بِنْتِي وَهُوَ عَشْرَةُ بُيُوتِ خَرَبَةٍ.

بی‌گمان بصره شهر شلوغ و آبادی است و پسرتم نمی‌تواند مهر دخترتم را که ده مغازه ویرانه  
است بپذیرد.

فَقَالَتْ بَوْمَةُ الْبَصْرَةِ : نَعَمْ. هُوَ الْآنَ لَا يَقْدِرُ دَفْعَ هَذَا الْمَهْرِ وَلَكِنْ إِذَا بَقِيََتْ حُكُومَةُ مَوْلَانَا الْحَاكِمِ  
«حَفِظَهُ اللَّهُ» لِمُدَّةِ سَنَةٍ؛

جعقد بصره گفت : آری، او اکنون نمی‌تواند این مهر را تهیه کند ولی اگر حکومت سرورمان،  
حاکم «خدا او را حفظ کند» برای مدت دو سال دیگر بماند؛

فَأَنَا أَضْمَنُ لَكَ أَلْفَ بَيْتِ خَرِبٍ لِمَهْرِ بِنْتِكَ.

من برای مهر دخترت هزار خانه ویرانه را تضمین خواهم کرد.

## الف

در آیات زیر سه کلمه از یک ریشه هستند، آن‌ها را در مربع‌های خالی بنویسید و جاهای خالی را پر کنید :

- ۱- ﴿لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى﴾ (بقره / ۲۶۴)  
 - صدقه‌های خویش را با ..... گذاشتن و آزار رساندن باطل نکنید.
- ۲- ﴿لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ﴾ (فُصِّلَتْ / ۸)  
 - برای آن‌ها پاداشی بی..... است.
- ۳- ﴿قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا﴾ (یوسف / ۹۰)  
 - خداوند بر ما ..... نهاده است.



## ب

کدام جمله بیانگر مفهوم آیه زیر است؟

﴿لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ﴾

الْإِبْتِعَادُ عَنِ الْإِفْرَاطِ وَالتَّفْرِيطِ فِي الْإِنْفَاقِ

عَدَمُ الْإِسْرَافِ فِي الْإِنْفَاقِ

عَدَمُ التَّحَسُّرِ عَلَى الدُّنْيَا

الْإِبْتِعَادُ عَنِ التَّكَاسُلِ

\*\*\*

به نظر شما درس عربی با چه درس‌هایی ارتباط بیش‌تری دارد؟

عربی را آن‌گونه بخوانیم که ما را در فهم درس‌های دیگر کمک کند.

برای فهم بهتر قسمت «بیاموزیم» در کتاب ادبیات فارسی ۱ و ۲، فهم بهتر مطالب کتاب عربی ضروری است!

برخی قسمت‌های کتاب ادبیات فارسی ۱ و ۲، همچون بحث ضمیر را با همین بحث در کتاب عربی مقایسه کنید.

متون کتاب زبان فارسی ۱ و ۲ بر توانایی در زمینه ترجمه متون عربی به فارسی می‌افزاید.

در مورد خدمات ایرانیان به زبان عربی در زمینه‌های صرف، نحو، بلاغت و لغت ..... چه می‌دانیم؟

در مادننامه دیواری خود راجع به این شعر حافظ مطلبی بنویسید :

اگرچه عَرَضَ هنرِ بیش‌یارِ بی ادبی است  
 زبانِ خموش ولیکن دهانِ پراز عربی است